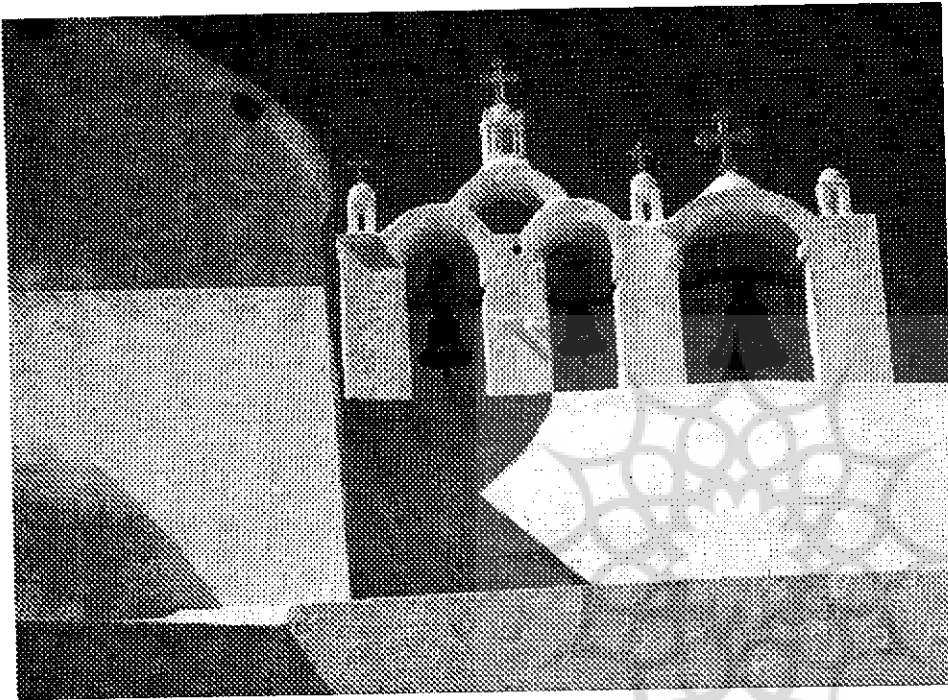


فرهنگ‌نامه‌ی سیاسی - فلسفی مکتب‌های سیاسی

آیین دو شمشیر



از آغاز قرن‌های دوم و سوم میلادی با متحد شدن گروه‌های متفرق مسیحی و یکی شدن مراکز متعدد مذهبی در قالب کلیساها، آیین مسیحیت، پاپ و کلیسا با استفاده از ناآگاهی توده‌ها و با یک برنامه ریزی حساب شده، حرکت‌هایی را از بخش انتهایی و زیرین هرم جامعه برای دست یافتن به رأس هرم قدرت آغاز کردند. کلیسا با بهره‌گیری از اهرم دین به قلع و قمع تمام مخالفان خود و استعمار فکری مردم عوام پرداخت و به زودی خود را در مقام وکیل، قیم و نماینده مردم جامعه معرفی کرد و از سوی آنان تصمیم‌گیری می‌کرد. با گذشت زمان و قدرت گرفتن کلیسا، طیف گسترده‌ای از جمعیت انبوه سرزمین‌های اروپایی در قرون وسطی زیر سخت‌ترین قوانین مذهبی و مقررات خودساخته و من درآوردی کلیسا و کشیشان قرار گرفتند.

با گذشت زمان نفوذ کلیسا بر مردم بیش‌تر و میزان قدرت پاپ و کشیش‌ها روز به روز افزایش می‌یافت و از آن سو حاکمیت سیاسی که قدرت مطلق را در دست داشت خطر را نزدیک‌تر حس می‌کرد. از همین جا رقابت کلیسا با دربار آغاز شد و اگر چه در روزهای نخستین، این رقابت نامحسوس بود، اما با گذشت زمان، شکل و حالت تهاجمی به خود گرفت و کلیسا می‌رفت که به صورت قدرت مطلق جای‌گزين حاکمیت

قدرت مطلق، حکومت مذهبی سرزمین مورد نظر را در اختیار داشت و در دوره‌ای دیگر امپراتور به عنوان قدرت سیاسی حکومت می‌راند. جنگ‌های طولانی مدت و خونین و بی‌رحمانه‌ی حاکمان مذهبی با حاکمان سیاسی اگر چه با شعار پشتیبانی از حقوق توده‌ها و گسترش عدالت اجتماعی صورت می‌گرفت، اما هیچ زمان به نفع توده‌های زحمت‌کش تمام نمی‌شد. مردم عادی با عنوان سربازان اجیر شده و توده‌های فقیر برای گذران زندگی بخور، نمیر خود به عنوان مزدوران امپراتور و یا کلیسا همیشه گوشت جلوی توپ بودند. پیروزی هیچ یک از طرفین دعوا، نفعی برای این مردم فقیر و بی‌چاره نداشت.

مطلق امپراتوران بشود. به سخنی دیگر دیکتاتوری مذهبی در نظر داشت جانشین دیکتاتوری سیاسی گردد.

پادشاهان، امپراتوران و هیئت‌های حاکمه‌ی اروپایی اگر چه در قرن‌های اول پا گرفتن قدرت مسیحیت، این حرکت زیرکانه‌ی کلیسا را به حساب نمی‌آوردند و آن را خطری زیرساختی و بالقوه نمی‌پنداشتند، اما با گذشت زمان دریافتند که کلیسا به شکلی بسیار زیرکانه در فکر خلع سلاح حاکمیت است و در نظر دارد حاکمیت مذهبی را جای‌گزين حاکمیت سیاسی نماید.

به همین سبب مخالفت‌های نخستین، به درگیری، مناقشه و زد و خورد‌های گسترده‌ای مبدل گردید که چندین دهه به درازا کشید که دوره‌ای کلیسا به عنوان



رقابت کلیسا با دربار، به زبانی ساده‌تر، مقابله‌ی دین با سیاست اگر چه در قرن‌های نخستین پیدایش مسیحیت نامحسوس بود، با گذشت قرن‌ها حالت تهاجمی به خود گرفت و کلیسا در دوره‌هایی مشخص قدرت مطلق اروپا بود.

به زودی امپراتوران و حکومت‌های غیر مذهبی خطری را که در سال‌های نخستین چندان جدی گمان نمی‌گرفتند، به فکر خلع سلاح حاکمیت رو به افزایش مذهبی افتادند و جنگ‌ها آغاز شد. جنگ‌های سیاسی - مذهبی زد و خورد‌های طرف‌داران کلیسا و درباریان هیچ وقت به نفع توده‌های گرسنه و محتاج تمام نمی‌شد. همیشه در وقت خطرهای جدی، طرفین با هم کنار می‌آمدند.

چنان چه دامنه‌ی جنگ‌های مذهبی - سیاسی بالا می‌گرفت، کارگزاران دو طرف به تکاپو می‌افتادند تا شاید به شکلی عادلانه! با حفظ منافع طرفین، قوانین و مقرراتی را وضع نمایند که در موقع بروز بحران‌های بنیان برافکن، آن قوانین و آیین‌ها، گره‌گشای مشکلات موجود باشند.

با توجه به آن چه که بیان شد پاپ گلاسیوس اول رهبر مسیحیان کلیسای روم در قرن پنجم میلادی مقرراتی را وضع کرد که طی اطلاعیه‌های شفاهی و کتبی به تمام پیروان کلیساهای سراسر اروپا که او را به عنوان رهبر مذهبی قبول داشتند ابلاغ کرد. برابر این مقررات که که به **آیین دو شمشیر** مشهور شده است چنان‌چه بین دولت و کلیسا و یا سیاست و مذهب اختلافی پیش می‌آمد که منجر به بحران می‌شد، با رجوع

به مواد و متن مقررات آیین دو شمشیر اختلاف‌های پیش آمده رفع می‌شد.

آیین دو شمشیر در تمام طول دوران قرون وسطی به عنوان یک آیین آهین مورد پذیرش طرفین دعوا قرار می‌گرفت و خروج از آن از جانب کلیسا و یا امپراتور خیانت محسوب می‌گردید. آیین دو شمشیر رابطه بین دین و سیاست را مشخص می‌کرد و به عنوان یک سنت از سوی دو قدرت جامعه پذیرفته شده بود.

رقابت‌های تنگاتنگ کلیسا با حاکمیت باعث گردید که نوعی دوگانه‌گی در شیوه مملکت داری ایجاد شود و سرزمین‌های مسیحی اروپا دارای دو نوع حاکمیت باشند. حاکمیت سیاسی به رهبری هیئت حاکمه و حاکمیت مذهبی به رهبری کلیسا. از آن جایی که رقابت دین و سیاست عامل اصلی بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی می‌شد، دو طرف منازعه به این نتیجه رسیدند که بهتر است منافع موجود را بین خود تقسیم کنند. بنابراین اتحادی تنگاتنگ بین دین و سیاست شکل گرفت و کلیسا و امپراتور به صورت دو قدرت مساوی یک‌دیگر را مورد تأیید قرار دادند و به حکومت در بخش مذهب و دولت پرداختند و از تمام امتیازهای حاکمیت و قدرت به صورت مشترک استفاده کردند.

در مقررات ویژه آیین دو شمشیر همان‌گونه که منافع حاکمیت بین طرفین به صورت عادلانه‌ای تقسیم شده بود، ارکان حکومتی نیز به شکلی مساوی به دو طرف واگذار شده بود:

الف - در نخستین تقسیم بندی: کلیسا، پاپ، روحانیت مسیحی و در نتیجه دین بر

اصول معنوی، روحانی و اخلاقی مردم حکومت می‌راند و توده‌ها و طبقات مختلف مردم ناگزیر بودند تا از مقررات و شرایط ویژه فرمان روایان کلیسا متابعت نموده و تعلیمات خاص مسیحیت را حتی در صورتی که با اعتقادات آن‌ها سازگار نباشد به اجرا در آورند.

ب - در دومین تقسیم‌بندی: هیئت حاکمه، دولت، امپراتور و در نتیجه سیاست بر اصول مادی، اداری و ظاهری مردم حکومت می‌کرد و توده‌ها و طبقات مختلف مردم ناگزیر بودند تا از مقررات و شرایط ویژه فرمان روایان درباری پیروی نموده و نیازهای اجتماعی را بر طبق خواست‌های آنان بر آورده سازند.

منظور از وجود دو شمشیر در آیین دو شمشیر وجود دو قدرت مطلق و بدون مخالف است. چنان چه به جای شمشیر (Sword) واژه قدرت (Authority) گذاشته شود، اتحاد این دو طرف در معادله و معامله‌ی سیاسی کلیسا و حاکمیت بهتر مشخص می‌شود و در **آیین دو شمشیر** معادله‌ی قدرت آن چنان بین دو طرف رقیب عادلانه تقسیم شده بود که هیچ یک از طرفین جرأت نمی‌کردند به حقوق طرف مقابل تجاوز نمایند. هر دو طرف تشخیص داده بودند که مصلحت در این است که با توافق کامل منافع حاصل از حکومت را بین هم تقسیم کنند و ترجیح داده بودند بدون این که شکار را از جلوی طرف مقابل بکشند و طرف دیگر نیز دست به حمله‌ی متقابل بزنند، **طعمه‌ی شکار** شده را در وسط گذاشته و هر دو طرف به شکلی کاملاً مساوی از آن بهره‌مند گردند. **پایان**